

پایه‌گذاران حکومت ارتقی و ایوبی (و زنگی)

وسکه‌های آنها

الف - ارتقیان

شهریاران سلجوقی رؤسای لشکری و مر بیان خود را که اغلب غلامان آنها نیز بودند و اتابک نامیده می‌شدند، بحکومت نواحی دوردست منصوب می‌داشتند. اینان و فرزندانشان در دوران ضعف سلجوقیان زمام فرمانروائی را بدست گرفته و سر با استقلال بر می‌داشتند و گاهی زیر لوای دیگر قدرتمندان فرمان میراندند. ارتقیان از این گروه از امر اهیباشند.^۱ مؤسس این خاندان ارتق پسر اکسب (یا اکسک ۲) از سرداران تر کمان سلاجقه بود. تتش سلطان دمشق (۴۷۱ - ۴۸۸ هجری) فرزند البارسلان و برادر ملکشاه اول سلجوقی

نگارنده :

غزالی عظمی شگسری

۱ - طبقات سلاطین ۱۴۱-۱۴۲

۲ - معجم الانساب ۳۴۶-۳۴۷

۴۶۵-۴۸۵ هجری)، پس از فتح بیت المقدس حکومت آنجا را به ارتق سپرد. پسران ارتق بنام معین الدین سقمان و نجم الدین ایلغازی در سال ۴۸۴ - هجری جانشین پدر شدند و ایلغازی از سال ۴۸۸ هجری تا شعبان سال ۴۸۹ صاحب بیت المقدس بود. در این سال خلیفه فاطمی مصر ابو القاسم احمد مستعلی (۴۸۷-۴۹۵ هجری) بیت المقدس را مسترد داشت و ناچار سقمان و ایلغازی به عراق باز گشتند.

سلطان محمد سلجوقی (۴۹۸-۵۱۱ هجری) که از سال ۴۹۲ فرمانروایی بغداد را داشت در سال ۴۹۵ شهنشاهی بغداد را به ایلغازی صاحب دژ کیفا داد و حکومت دیار بکر را به سقمان تفویض کرد و پس از یکی دو سال «ماردین» را نیز بر آن نواحی افزود و بدینگونه بود که فرزندان ارتق در دو شعبه یعنی خاندان سقمان در کیفا از ۴۹۴ تا ۶۲۹ هجری و خاندان ایلغازی بر ماردین از ۵۰۲ تا ۸۱۱ هجری فرمانروایی داشتند تا اینکه شعبه اول را ایوبیان و شعبه دوم را قراویوسف قراویونلو (۷۹۰-۸۲۳ هجری) برانداختند.^۳

ارتقیان ماردین

ایلغازی پسر ارتق، داماد سلطان تئش بن البارسلان بود. از این روی خود و فرزندان از حمایت سلجوقیان و نوعی نفوذ معنوی برخوردار بودند. وی از ۴۸۸ هجری تا شعبان ۴۸۹ صاحب بیت المقدس، از ۴۹۴ تا ۴۹۸ عامل بغداد و تا سال ۵۰۰ هجری حاکم ماردین بود و در سال ۵۱۱ حلب را ضمیمه حکومت خود نمود. در سال ۵۱۶ هجری مغیث الدین محمود سلجوقی (۵۱۱-۵۲۵) سر سلسله سلاجقه عراق و کردستان، «میا فارقین» را نیز با و سپرد و باین ترتیب «ملک دیار بکر» گردید و در غره رمضان همان سال زندگی را وداع گفت.^۴ بعد از ایلغازی فرزندش بنام تمور تاش که ملقب به حسام الدین بود (۵۱۶-۵۴۷

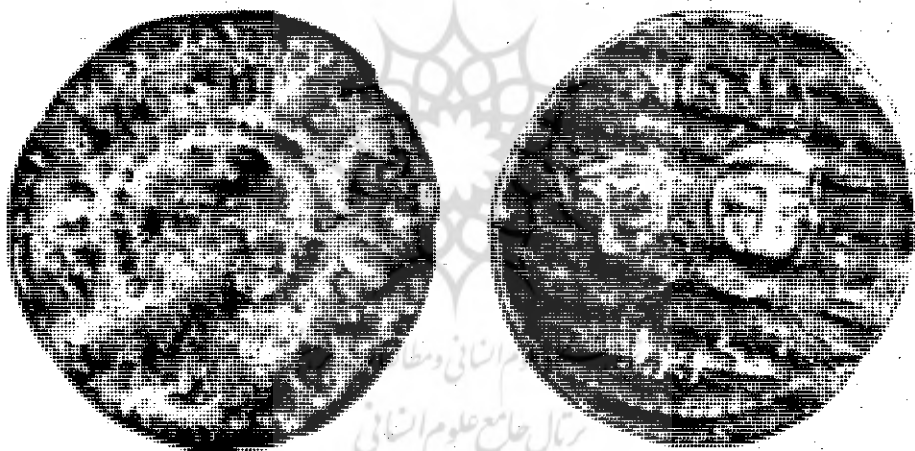
۳ - طبقات سلاطین ۱۴۸ تا ۱۵۱

۴ - معجم الانساب ۳۴۵

هجری) بحکومت رسید و در سال ۵۱۸ دوباره بر حلب مستولی شد. پس از تمورتاش پسرش نجم‌الدین الپی « (۵۴۷-۵۷۲) » جانشین پدر گردید. سکه‌هایی که از الپی بدست آمده و در کلکسیون اینجانب نمونه‌ای از آن موجود است نشان می‌دهد که وی در حالیکه علی‌الظاهر احترام خلیفه عباسی بغداد (المستنجد بالله ۵۵۵-۵۶۶) را رعایت می‌کرده خود و خاندان خود را بی‌نیاز از پشتیبانی سلاطین سلجوقی عراق و کردستان میدانسته و از این رو از ذکر نامشان بر سکه خویش خودداری می‌کرده است. (شکل ۱)

روی سکه

پشت سکه



شکل ۱

سکه مسی - روی سکه - وسط - دوچهره کودکانه دارای نیم‌تاج و طوق
 بالاوپائین - لا اله الا الله - محمد رسول الله
 طرفین - المستنجد بالله امیر المؤمنین
 پشت سکه - وسط - چهره تمام رخ موی بشکل گوی متعدد در اطراف
 سر محدود به هاله.

اطراف - نجم‌الدین الپی بن ایلغازی بن ارتق ملک دیاربکر

این سکه از چند نظر دیگر نیز جالب است :

اول آنکه چون سطح سکه کافی برای ذکر شجره خانوادگی نبوده از افزودن اسم پدر یعنی تمورتاش خودداری شده اما پدر بزرگ وجد اعلی مذکور افتاده اند تا در ارتقای بودن نجم الدین الپی تردیدی پیش نیاید.

دوم- گمان می رود که دو چهره کودکانه روی این سکه متعلق به نوه های الپی، فرزندان ایلغازی دوم یعنی یولق ارسلان و ارتق ارسلان باشد که تربیت آنها بر عهده نظام الدین البقش،^۵ و نامزد حکومت بوده اند. بعدها یولق ارسلان با لقب حسام الدین (۵۸۰-۵۹۷ هجری) و ارتق ارسلان با لقب ناصر الدین المنصور (۵۹۷-۶۳۷ هجری) بر ماردین حکم راندند.

پس از نجم الدین الپی پسرش ایلغازی دوم با لقب قطب الدین (۵۷۲-۵۸۰- هجری) در ماردین بجای پدر نشست. سکه هائی از وی یافت شده که حاکی از آن است که وی تفوق روحانی خلفای عباسی بغداد (المستضی ۵۶۶-۵۷۵ و الناصر الدین الله ۵۷۵-۶۲۲) را بالمره از یاد برده یا اینکه بطوریکه از لقب او «قطب الدین» پیداست خود دعوی مرکزیت دینی مسلمانان را داشته است. در این سکه ها ایلغازی خود را «مولا» و «سالك عالم و عادل» خوانده و تسلط بر سایر امرا را با عبارت «ملك الامرا» نشان داده و از خود بعنوان «شاه دیار بکر» یاد کرده است. (شکل ۳ و ۲)

سکه های مسی- روی سکه - وسط - چهره ایلغازی متوجه راست در مربع نقطه چین بسا سر برهنه یا چیزی شبیه شب کلاه چهار سمت- بن الپی بن تمر تاش بن ایلغازی بن ارتق پشت سکه - وسط - ایلغازی ، لمولانا السالك العالم العادل قطب الدین ملك الامرا شاه دیار بکر

روی سکه



پشت سکه



شکل ۲

روی سکه



پشت سکه



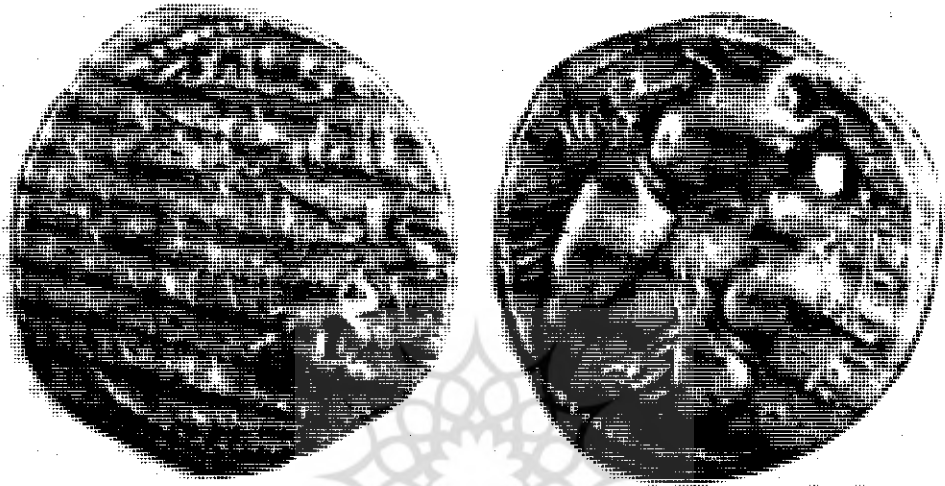
شکل ۳

تاریخ یکی از این سکه‌ها «ثلث و سبعین و خمسه» یعنی ۵۷۳ هجری یکسال پس از جلوس ایلغازی میباشد.

اینک سکه‌ای از ایلغازی که در سال ۵۷۸ هـ که سال ششم حکمرانی او بود ضرب شده است : (شکل ۴)

پشت سکه

روی سکه



شکل ۴

سکه مسی - روی سکه - چهره تمام رخ ایلغازی با فرزند و ولیعهدش یولق ارسلان، که تاجی مرصع همانند سر گاو باشاخ و گوش بر سر و ردائی مزین بر تن دارند.

بالای سر - سال ضرب سکه یعنی ثمان و سبعین و خمساء .

پشت سکه - وسط الناصر لدين الله امير المؤمنين هذا الدرهم
ملعون من شاء تغييره .

بالا و طرفین - قطب الدين بن نجم الدين بن حسام الدين .

این سکه هم بجهت گوناگون شایان توجه میباشد :

یک - قطب‌الدین ایلغازی خود و فرزندش را با چهره اسکندر «ذوالقرنین»

دارای دوشاخ که نشانه قدرت است مینمایاند.

دو - نوع سکه و چهره‌ها و لباس مانند سکه هرقل امپراطور روم شرقی

و پسرش کنستانتین (Heraclius - Constantine ۶۱۳-۶۳۰ میلادی)
معاصر خسرو دوم پرویز ساسانی (۵۹۰-۶۲۸ میلادی) است. (شکل ۵)



66 Byzantine Empire, gold solidus, Heraclius (613-30),
mint of Constantinople; the emperor is shown with his
son Heraclius Constantine [twice actual size]

از کتاب Coins صفحه ۴۷

شکل ۵

سه - از صدها سکه که نگارنده دیده و مورد مطالعه قرار داده این اولین بار است که عبارت «هذا الدرهم ملعون من شاء تغييره» را بر سکه‌ای مشاهده مینماید. پیداست که قطب‌الدین ایلغازی نمیخواسته چنین سکه‌ای تقلید شود و یا بصورت قلب بمبازار آید. این است که میگوید «نفرین بر آنکه بخواهد از این درهم تقلید نماید» و تدبیر او کاملاً مؤثر افتاده و از حکام آن روز گاران کسی از طرح سکه او پیروی نکرده است.

چهار - با اینکه سکه مسی است بجای فلس کلمه «درهم» را بکار برده‌اند و حال آنکه «درهم» برای مسکوکات نقره بکار میرفته است.

پنج - معلوم است که در تاریخ ضرب این سکه ایلغازی متوجه عواقب بی‌اعتنائی به خلفای عباسی شده و از الناصر لدین‌الله یاد نموده و دیگر خود را «مولای سالک» نخوانده است.

ب - ایوبیان (وزنگیان)

ایوبیان از ایرانیان شجاع و پاك نهاد بودند .

نجم‌الدین ایوب پسرشادی پسر ایوب از اهالی کردستان بود و نزد سلطان غیاث‌الدین محمد بن محمود (۵۴۸-۵۵۵ هجری) از سلجوقیان شاخه عراق تقرب داشت و از طرف همین سلطان بود که به حکمرانی تکریت منصوب گردید و در این شهر در سال ۵۳۲ فرزندش یوسف که بعدها ملقب به الملك الناصر صلاح‌الدین (۵۶۴-۵۸۹ هجری) شد و از سرداران بزرگ تاریخ بشری است تولد یافت . در این اوقات عماد‌الدین زنگی اتابک موصل (۵۲۱-۵۴۱) که در جنگی بهزیمت افتاده بود به قلعه تکریت پناه برد و نجم‌الدین ایوب با اعزاز تمام از او پذیرا شد و با این پیش آمد افسانه ایوبیان در صفحات تاریخ پی ریزی گردید.^۶ بعدها ایوب با برادرش شیرکوه به موصل رفتند و از نزدیکان درگاه عماد‌الدین زنگی شدند .

پس از عماد‌الدین فرزند و جانشین او در شام ، نورالدین محمود (۵۴۱-۵۶۹) سپهسالاری لشکریان خود را به عم صلاح‌الدین یعنی شیرکوه واگذار کرد و او را در حالی که صلاح‌الدین همراهش بود برای کمک به العاضد (۵۵۵-۵۶۷- هجری) خلیفه فاطمی و سرکوبی وزیرش که شورش کرده بود به مصر گسیل داشت . در جنگ‌هایی که بوقوع پیوست وزیر مصر بقتل رسید و شیرکوه جای او را گرفت .

شیرکوه در سال ۵۶۴ در گذشت و در ۲۵ جمادی الثانی آن سال صلاح‌الدین در سن سی و دو سالگی به وزارت مصر رسید .^۷ اما تا سال ۵۶۹ همچنان خود را تابع نورالدین زنگی میدانست.^۸

۶ - طبقات سلاطین ۱۵۳ - معجم الانساب ۳۳۴

۷ - طبقات سلاطین ۶۴ - زندگی و تمدن قرون وسطی ۳۰۹ تا ۳۱۰

۸ - معجم الانساب ۱۵۰

در محرم سال ۵۶۷ هجری که العاضد در حال احتضار بود با امر صلاح‌الدین خطبه بنام المستضی (۵۶۶-۵۷۵) خلیفه عباسی خوانده شد و کشور فاطمی مصر و متصرفات آن تحت لوای عباسیان قرار گرفت.

صلاح‌الدین پس از فوت نورالدین محمود زنگی در سال ۵۷۰ به دمشق وارد شد و بر آنجا تسلط یافت و سلطان مصر و شام گردید در سال ۵۷۹ حلب را تسخیر کرد. در ۲۹ جمادی الاول ۵۸۱ موصل را نیز بتصرف آورد و بر میافارقین استیلا یافت و امرای الجزیره یعنی صفحات شمالی عراق را خراجگذار خود ساخت^۹ (توضیح آنکه تازیان قسمت شمالی بین‌النهرین را الجزیره و نواحی جنوبی آنرا عراق میگفتند و عراق معرب «ایراه» فارسی بمعنی کناره و زمینهای نزدیک دریاست. در کتاب معجم البلدان از قول حمزه اصفهانی ذیل کلمه «ایراهستان» تصریح شده که اردشیر خوره فارس بعلت نزدیکی به دریا به این نام مسمی بوده است).^{۱۰}

پس از این فتوحات صلاح‌الدین، فرزند «نورالدین شاهنشاه» برادر خود را که بنام الملك المظفر تقی‌الدین عمرو حاکم حماة بود بعنوان نایب خود در میافارقین تعیین کرد^{۱۱}. تقی‌الدین در ۱۹ رمضان ۵۸۷ در گذشت.

اهور میافارقین و سنجار از سال ۵۸۹ تا ۵۹۶ هجری بر عهده برادر صلاح‌الدین الملك العادل سیف‌الدین ابوبکر احمد، صاحب دمشق بود که بر بسیاری از نقاط دیگر تحت تصرف ایوبیان حکمرانی داشت ابوبکر احمد در سال ۶۱۵ بدرود زندگی گفت.^{۱۲}

از دوره متحولی که شرح آن گذشت سکه‌هایی در دست است که ذیلا بشرح آن مبادرت مینماید:

۹ - طبقات سلاطین ۶۵

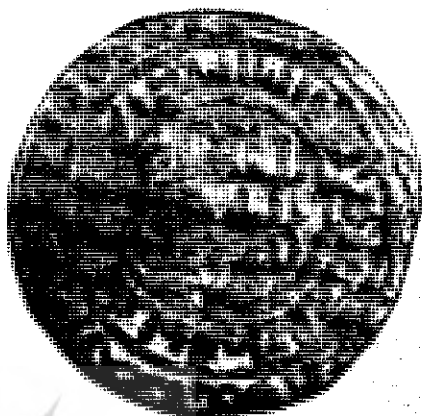
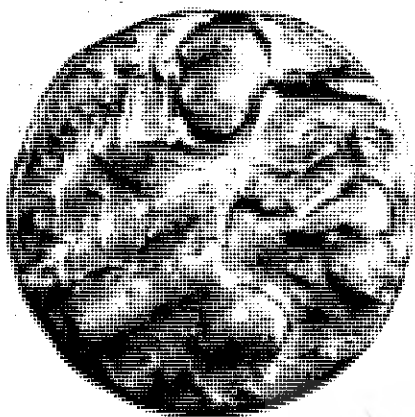
۱۰ - سرگذشت جندی شاپور ۷۳ (یادداشت ۹۹)

۱۱ - معجم الانساب ۱۵۲-۱۵۳

۱۲ - معجم الانساب ۱۵۰

پشت سکه

روی سکه



شکل ۶

سکه مسی - روی سکه - وسط - الناصر لدين الله امير المؤمنين

دور - لسلطاننا الملك الاعظم غازي ، الملك العادل نور الدين

پشت سکه - چهره تمام رخ نور الدين اتابك زره برتن باشمشير

آخته دريك دست و در دستي ديگر سري بریده -

نام «نور الدين اتابك» نیز در کنارش نوشته است .

نور الدين اتابك در جنگ با صليبي ها شرت مينمود و بيشك سري كه

بر دست دارد متعلق بيكي از بزرگان آنان است . غازي اول كه در اينجا با

عبارت «لسلطاننا الملك الاعظم غازي» معرفي شده ملقب به سيف الدين و دومين

اتابك موصل و برادر نور الدين (مخدوم صلاح الدين) است و از ۵۱۴ تا ۵۴۴

هجري فرمانروائي داشته و نور الدين نام او را با احترام پيش از نام خود ياد

کرده است . ۱۳

روی سکه

پشت سکه



شکل ۷

سکه مسی - روی سکه - متن - الامام الناصر لدين الله امير المؤمنين .
حاشیه - ضرب هذا الدرهم سنة ثلث وثمانين وخمسماء
(۵۸۳ هجری) .

پشت سکه - متن - شیرشززه با یال برافراشته .
حاشیه - الملك الناصر صلاح الدنيا والدين .
یوسف بن ایوب محی دولة امیر المؤمنین .

این سکه بجهت ذیل شایان توجه بسیار است :

یک - در اینجانب نیز سکه‌ای مسین بجای «فلس» ، «درهم» نامیده شده است .
دو - درجه ایمان صلاح الدین با ذکر نام خود در حاشیه کاملاً آشکار است .
سه - «محی دولة امیر المؤمنین» حاکی است که فتوحات صلاح الدین و وفاداری او نسبت به خلفا باعث شده است که آنان احترام از دست رفته یا متزلزل را ، دوباره بازیابند .

چهار - این سکه در سال ۵۸۳ بمناسبت فتح بیت المقدس طراحی و ضرب شده و در آن صلاح الدین به شیری خشمگین تشبیه شده است .

نبرد صلاح‌الدین برای استرداد بیت المقدس که در ۲۳ شعبان ۶۹۳ هجری بدست صلیبی‌ها افتاده بود ۱۴ در تاریخ ۱۵ رجب ۵۸۳ آغاز شد و پس از دوازده روز جنگ خونین سرانجام سران صلیب تسلیم شدند. صلاح‌الدین با یادآوری کشتار مسلمانان بدست آنان، این آیه شریفه از کلام الله مجید را بر زبان آورد «جزاء سیئة سیئة مثلها» اما با این حال با اسرا بجوانمردی رفتار کرد و گروه بسیاری از آنان را با اخذ جریمه‌ای ناچیز آزاد ساخت. روز ورود به بیت المقدس یعنی مسجد الاقصی مصادف با ۲۷ رجب سال ۵۸۳ هجری، روز مبارك مبعث رسول اکرم و شب معراج بود صلاح‌الدین شخصاً جارو بدست گرفته به تطهیر این مکان مقدس پرداخت. ۱۵

بی‌مناسبت نیست از چند داستان از روابط صلاح‌الدین و ریشار شیردل که رهبری سپاهیان صلیب را داشت ذکر می‌آید:

۱ - در اثنای یکی از جنگها صلاح‌الدین مشاهده کرد ریشار پیاده است. فوراً مرکبی عربی برایش فرستاد و پیغام داد که از جنگاوری چون ریشار دریغ است پیاده بجنگد.

۲ - یکبار نیز وقتی که از بیماری ریشار اطلاع حاصل کرد پزشک مخصوص خود را با دارو و خوردنی و آشامیدنی نزد او فرستاد.

۳ - بعد از فتح بیت المقدس باز هم جنگ ادامه داشت و سرانجام در ۲۱ شعبان سال ۵۸۸ بین صلاح‌الدین و ریشار پیمان متار که جنگ و ستیز بمدت سه سال و هشت ماه باعضاء رسید و ریشار رهسپار کشور خویش گشت اما هنگام سوار شدن کشتی به صلاح‌الدین نوشت: پس از پایان مدت قرارداد مراجعت و بیت المقدس را باز خواهد ستاند.

صلاح‌الدین در جواب نوشت: «اگر قرار باشد سرزمین بیت المقدس را به کسی بدهم باختن به ریشار شیردل را بر هر فرد زنده دیگری ترجیح خواهم داد.»

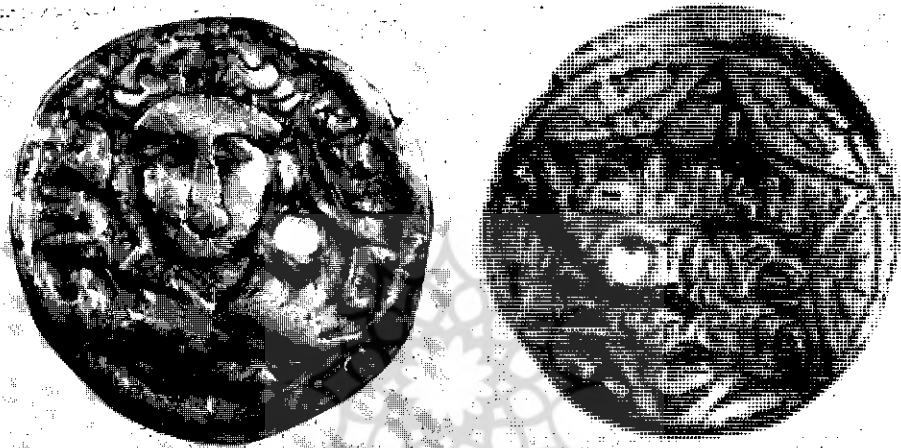
۱۴ - زندگی و تمدن قرون وسطی ۲۹۹

۱۵ - زندگی و تمدن قرون وسطی ۳۱۶ تا ۳۱۹

یکسال و شش ماه پس از متار که جنگ با صلیبی ها در صفر سال ۵۸۹ صلاح‌الدین بیمار شد و بر اثر عارضه تب در سن ۵۶ سالگی در حالیکه ۲۶ سال سلطنت را پشت‌سر گذاشته بود وفات یافت. ۱۶

روی سکه

پشت سکه



شکل ۸

سکه مسی - روی سکه - متن درستاره شش پر :
 الملك الناصر صلاح الدنيا والدين يوسف بن ايوب

حاشیه - در فواصل بین گوشه های ستاره :

ضرب - سنه اثنین ثمانین خمس ماه (۵۸۲)

پشت سکه - متن - چهره تمام رخ (یولق ارسلان)

اطراف - روی شانه‌ها - حسام الدین یولق ارسلان

این سکه یادگار اوایل استیلای صلاح‌الدین بر میافارقین و حوزه حکمرانی ارتقیان است و حسام الدین یولق ارسلان (۵۸۰ - ۵۹۷) فرزند قطب‌الدین - ایلغازی تصور نموده است که با ظهور صلاح‌الدین دیگر ذکر نام خلیفه عباسی

برسکه‌ها جایز نیست و بدین جهت يك سمت آنرا به ذکر القاب و نام و نسبت صلاح الدین و سمت دیگر را به لقب و نام خویش اختصاص داده است .
گفتیم که صلاح الدین در سال ۵۸۱ علاوه بر موصل و میافارقین الجزیره را نیز خراجگذار خود ساخت و برادرزاده خود الملك المظفر تقی الدین عمر حاکم حماة را نایب خود در میافارقین تعیین کرد . سکه‌ای که اکنون از آن گفتگو خواهیم داشت یادگار آن روز گاران است .

پشت سکه

روی سکه



شکل ۹

سکه مسی - روی سکه - متن - الناصر لدین الله امیر المؤمنین

الناصر الدین یوسف بن ایوب

طرفین و بالا - سنه اربع ثمانین و خمسماء (۵۸۴) .

پشت سکه - متن - چهره تمام رخ

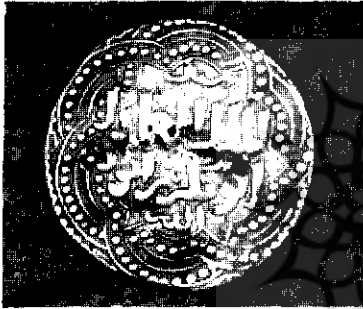
اطراف سر - الملك المظفر سنجر شاه بن غازی

این سکه نشانه کاملی از تسلط صلاح الدین بر امرای خاندان زنگی است
سنجر شاه اتابک الجزیره (۵۷۶ - ۶۰۵) فرزند سیف الدین غازی الثانی و نوۀ

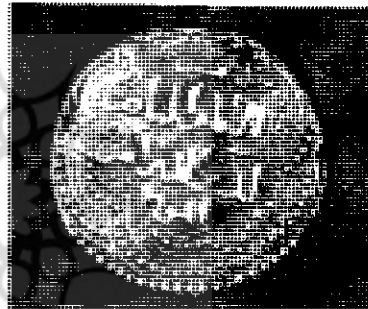
برادر نورالدین محمود مخدوم صلاح الدین است. بعلاوه اهمیت این سکه بدان است که نشان می‌دهد نایب صلاح الدین در میافارقین، یعنی الملك - المظفر (تقی الدین عمر بن شاهنشاه) سلطه ایوبیان را در آن دیار مستقر ساخته و از عهده این وظیفه برآمده است.

الملك العادل سیف الدین ابوبکر احمد برادر صلاح الدین که عهده‌دار امور میافارقین از سال ۵۸۹ تا ۵۹۶ بود نیز از چهره‌های درخشان خاندان ایوبی است، وی در جنگ سوم صلیبی همراه برادر بود و ریشار شیردل برای جلب دوستی صلاح الدین خواهر خود «ژون» را به مزاجت او درآورد. ۱۷

پشت سکه



روی سکه



شکل ۱۰

(شکل ۱۰) درهمی زیبا از روی است: *مطالعات وزنگی*

روی سکه - الامام الناصر لدین الله امیر المؤمنین

پشت سکه - الملك العادل سیف الدین ابوبکر بن ایوب

این سکه فاقد تاریخ است و محل ضرب آن نیز مشخص نشده اما بنظر میرسد که در دوران فرمانروایی الملك العادل در میافارقین ضرب شده باشد زیرا سکه‌هایی مسین در دست است که بنام حسام الدین یولق ارسلان ارتقی است و الملك العادل را با القاب و کنیه و نسب بهمین صورت معرفی مینماید.
اینک آن سکه‌ها:

روی سکه

پشت سکه



شکل ۱۱

پشت سکه

روی سکه



شکل ۱۲

روی سکه - متن - الامام الناصر لدين الله امير المؤمنين
 در چهار سمت - الملك العادل سيف الدين ابو بكر بن ايوب
 حاشیه - حسام الدين ملك ديار بكر يولق ارسلان
 بن ايلغازي بن ارتق سنة سبع وثمانين وخمسماء (۵۸۷)

(۱۶)

پشت سکه - وسط - شخصی در لباس روحانی با گردنی خمیده و دست و پای بسته نشسته است در طرفین و پشت سرش سه نفر ایستاده‌اند که از وضع دستهای آنها پیداست او را برای گردن زدن آماده مینمایند .

این سکه‌ها از چند نظر جالب است .

یک - لباس روحانی شخص نشسته نشان میدهد که از راهبان جنگجوی صلیبی است که بدست مسلمانان گرفتار آمده و سردر این سودانهاد است . بعلاوه این سکه باید بیادبود فتح بیت المقدس بدست مسلمانان و اسارت بزرگان صلیبی و کشته شدن یکی از آنان با هر یولق ارسلان ضرب شده باشد چه اگر غیر از این میبود صحنه قتل افراد معمولی چندان اهمیت نداشت که يك روی سکه‌ای را بگیرد . بیگمان چهره‌ایکه در پشت سر راهب مسیحی ایستاده حسام الدین یولق ارسلان است و آنانکه در طرفین جای دارند مأموران اجرای حکم اعدام .

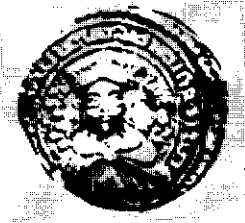
دو - حسام الدین یولق ارسلان همچون نیای خود ایلغازی در جنگ صلیبی شرکت مؤثر داشته و در رکاب صلاح الدین بوده است .

سه - از همین روی اجازه یافته که خود را مانند پدرانش «ملک دیار بکر» بنامد اما اطاعت از ایوبیان را با ذکر نامشان در متن سکه و نام خود در حاشیه تصریح کرده است (ارتقیان تا سال ۶۴۲ که مغول بر بین النهرین مستولی شدند همچنان از ایوبیان اطاعت میکردند) .

چهار - پیداست که جای ضرب سکه همان دیار بکر بوده است .

پنج - بعلمت تنگی جا - شجره خانوادگی یولق ارسلان کاملآ ذکر نشده و از نامبردن الپی و تیمورتاش و ایلغازی اول صرف نظر گردیده اما بهر حال فراموش نشده است که شجره مذکور به ارتق پایان یابد .

پشت سکه



روی سکه



شکل ۱۲

سکه جالبی از مس از الملك العادل است که چهره و تاج و پوشاک او را نشان میدهد این سکه در شماره سپتامبر ۱۹۷۲ مجله Coin and Medal Bulletin انگلستان بشماره W۵۳۳ معرفی شده و باین شرح میباشد.

روی سکه - متن - لا اله الا الله - محمد رسول الله

الإمام الناصر لدين الله

طرفین - الملك العادل ابو بكر بن ايوب

پشت سکه - متن - چهره تمام رخ (الملك العادل)

طرفین چهره - فی سنه تسعين و خمساء (سال ۵۹۰)

دور - ضرب هذا الدرهم بميفارقين

در اینجا نیز سکه‌ای مسین بنام درهم معرفی شده و بنظر میرسد که این کلمه در آن روز گاران بمعنی «پول» بکار میرفته است. به حال این سکه یادگاری گویا از حکومت الملك العادل بر ميفارقين میباشد که از سال ۵۸۹ آغاز و بسال ۵۹۶ پایان گرفته است. در این سال وی حکومت مصر را نیز در اختیار گرفت و سرانجام در هفتم جمادی الاخر سنه ۶۱۵ هجری در گذشت. پس از وی فرزندش الملك الكامل ناصر الدين ابوالمعالی محمد زمام امور دمشق و مصر را بدست آورد و بعد از بیست سال فرمانروائی در تاریخ بیست و دوم رجب سال ۶۳۵ هجری وفات یافت. ۱۸

۱۸ - معجم الانساب ۱۵۰ - طبقات سلاطین ۶۷ و ۶۸



شکل ۱۴

سکه‌ای از سیم بنام الملك الكامل است که در سال ۶۲۴ در حران ضرب شده و در شماره سپتامبر ۱۹۷۲ مجله Coin and Medal Bulletin عکس و شرح آن مذکور افتاده است :

روی سکه - متن در مربع - الامام المستنصر بالله ابو جعفر المنصور
امیر المؤمنین

در چهار سمت - لا اله الا الله محمد رسول الله

پشت سکه - متن - الملك الكامل ناصر الدنيا والدين محمد بن ابوبکر
حاشیه - ضرب بحران سنه اربعه عشرين و ستماء (۶۲۴ هجری)

همچنانکه عبارت روی سکه نشان میدهد در زمان المستنصر بالله خلیفه عباسی (۶۲۳-۶۴۰) ضرب شده است.

توضیحات

۱- شکل سکه‌ها بجز شماره های ۵ و ۱۳ و ۱۴ يك و نیم برابر اندازه اصلی است.

۲- سکه های ردیف ۱ - ۲ - ۳ - ۴ - ۶ - ۷ - ۸ - ۹ - ۱۰ - ۱۱ - ۱۲ - کسلا در مجموعه کم نظیر مسکوکات جناب آقای دکتر نادر شرقی است و از ایشان بسیار سپاسگزارم که اجازه فرمودند در این مقاله مورد بحث قرار گیرد.

منابع

- ۱ - مجموعه مسکوکات جناب آقای دکتر نادر شرقی
- ۲ - مجموعه مسکوکات نکرانده
- ۳ - طبقات سلاطین اسلام - نوشته Stanley Lane Pool ترجمه عباس اقبال
- ۴ - معجم الانساب والاسرات الحاکمه فی التاریخ الاسلامی للمستشرق زامباور
- ۵ - زندگی و تمدن در قرون وسطی و نقش ایران در علوم مغرب زمین تألیف صدرالدین میرانی . گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- ۶ - سرگذشت جندی شاپور - تحقیق و تألیف از حسینعلی معتمدن
- ۷ - John Porteous - Coins چاپ لندن
- ۸ - Coin and Medal Bulletin چاپ لندن